

تزئینات به کاررفته در بناهای مسکونی دوره قاجاریه خوانسار*

حسین صدیقیان^۱، موسی سبزی^۲

۱- دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران و مدرس گروه باستان‌شناسی دانشگاه لرستان، (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه لرستان

چکیده

خوانسار یکی از شهرهای کوهستانی غرب استان اصفهان محسوب می‌شود که در یک دره سرسبز قرار گرفته است. پیشینه تاریخی این شهر به قبل از اسلام بر می‌گردد؛ اما در دوره قاجاریه رشد و توسعه بسیاری یافت. در حال حاضر بیشترین آثار تاریخی باقی‌مانده از این دوره را بناهای مسکونی تشکیل می‌دهد. در بسیاری از این ابنیه که احتمالاً متعلق به طبقات متوسط یا مرفه شهر بوده‌اند، تزئینات بسیار متنوعی به کاررفته که تاکنون در هیچ پژوهشی به آن‌ها پرداخته نشده است. از این‌روی هدف اصلی مقاله حاضر پرداختن به ویژگی‌ها و انواع تزئینات به کاررفته در بناهای مسکونی این دوره در این شهر است. برای این منظور روش پژوهش حاضر به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد و سعی شده است که تمامی این ابنیه بررسی و مطالعه شوند. با توجه به این مطالعات مشخص شد که به‌واسطه فراوانی چوب در منطقه، بسیاری از تزئینات این ابنیه نیز وابسته به این عنصر ارزشمند بوده است. علاوه بر این، احتمالاً بیشتر این تزئینات توسط هنرمندان خوانساری و بعضاً برخی هنرمندان اصفهانی ایجاد شده است.

واژه‌های کلیدی: خوانسار، دوره قاجاریه، بناهای مسکونی، تزئینات بنا.

1. Email: Hossein.Sedighian@gmail.com

2. Email: mousa_sabzi@yahoo.com

* (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۰۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۷)

مقدمه

خوانسار یکی از شهرهای شناخته شده کوهستانی جانب شمال غربی استان اصفهان محسوب می‌شود. این شهر در نقشه تقسیمات سیاسی سال ۱۳۱۶ هـ.ش در محدوده استان ششم^۱ کشور جای گرفته بود و به همراه شهرهایی چون خمین و الیگودرز، تابعه گلپایگان محسوب می‌شد (ودعی، ۱۳۴۸: ۲۵۲). پس از این تاریخ و با رشد خوانسار در سال ۱۳۵۸ و با تصویب هیئت وزیران به شهرستانی مستقل تبدیل گردید^۲ (میرمحمدی، ۱۳۷۸: ۱۳). شهر خوانسار در حال حاضر در دره‌ای سرسبز و به موازات رودخانه‌ای که شهر را به صورت طولی در محور شمالی - جنوبی فرم داده، گسترش یافته است. «خوانسار، خونسار، خوسار و خانیسار» الفاظ مختلفی است که حداقل از قرن پنج هجری و پس از آن، به این شهر اطلاق شده است (اشرف‌الکتابی، ۱۳۵۹: ۵۴). با توجه به شواهد موجود در اوایل اسلام نیز احتمالاً نام این شهر خانشاه بوده که بعدها به خوانسار تغییر کرده است (قمی، ۱۳۶۱: ۷۰). خوانسار در منابع تاریخی قبل از صفویه همواره به عنوان یکی از روستاهای گلپایگان معرفی می‌شد (برای نمونه رک: مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۲؛ حموی بغدادی، ۱۹۹۵: ۳۴۰؛ بغدادی، ۱۴۱۲: ۴۴۷؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۱۱۹۷؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۷۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۱۶ و شاه‌ارزانی، بی تا: ۱۴۰)؛ اما به نظر می‌رسد از دوره صفویه به بعد بنا به دلایل چندی از جمله وجود روحانیون بزرگ و بنام، برخی از افراد خاندان صفوی نیز به خوانسار توجه ویژه‌ای کردند و در آن بناهای مهمی چون مدرسه مریم‌بیگم را بنا نهادند (میرمحمدی، ۱۳۷۸). از این زمان به بعد به تدریج شهر توسعه پیدا کرده و ابنیه متعددی در آن ایجاد شد؛ اما اوج رونق خوانسار در قبل از عصر حاضر، به دوره قاجاریه برمی‌گردد. اطلاعات ما از این دوره نسبت به ادوار قبل بسیار بیشتر است و که به دلیل تقدّم زمانی آن، بناهای تاریخی بیشتری از این دوره باقی مانده است. بیشترین فراوانی بناهای تاریخی این دوره را بناهای مسکونی شامل می‌شود که متأسفانه با روند رشد و توسعه شهر، بسیاری از آن‌ها در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، به دلیل کارکرد مسکونی بودن، بر خلاف ابنیه تاریخی دیگر شهر، مانند ابنیه مذهبی یا تجاری، بیشتر در معرض تخریب

قرار گرفته است و هر سال تعداد زیادی از آن‌ها با اسم بافت فرسوده نابود می‌گردند. در مورد این ابنیه تاکنون مطالعات اندکی صورت گرفته که آن هم بیشتر به معرفی چند بنای شاخص آن مانند خانه حبیبی‌ها یا عمارت میرمحمدصادق پرداخته‌اند (نجفی‌زاده، ۲۰۱۷). این در حالی است که درباره با تزیینات به کاررفته در این ابنیه کمتر مطالعاتی صورت گرفته است. از این روی هدف اصلی پژوهش حاضر بر این امر استوار است که تا حد زیادی این تزیینات معرفی و بررسی گردند. همچنین به دلیل تخریب احتمالی بسیاری دیگر از این ابنیه حداقل آگاهی و اطلاعاتی در مورد این تزیینات وجود داشته باشد. در پژوهش حاضر ابتدا سیمای کلی از وضعیت شهر و بناهای تاریخی آن در طول دوره قاجاریه ارائه شده و سپس به بررسی تزیینات به کاررفته در ابنیه مسکونی این دوره شهر، پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

موضوع این پژوهش تزیینات بناهای دوره قاجاریه شهر خوانسار است؛ موضوعی که خود بسیار جزئی بوده و صرفاً در ارتباط با یک منطقه خاص جغرافیایی می‌باشد. در ارتباط با تزیینات به کاررفته در بنا و آثار معماری تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب *تزیینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی* (۱۳۷۶) نوشته محمدیوسف کیانی اشاره کرد که در آن به صورت کلی انواع مختلفی از تزیینات وابسته به بناهای گوناگون دوران اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. این در حالی است که تاکنون به صورت جزئی‌تر، تزیینات بناهای مسکونی در یک دوره خاص مورد مطالعه قرار نگرفته است. البته در این میان برخی خانه‌های تاریخی ایران، به ویژه مربوط به دوره قاجاریه، به صورت تک‌نگاشت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که برای نمونه می‌توان به کتاب *تزیینات معماری خانه بروجردی‌های کاشان* (۱۳۸۶) نوشته منوچهر حمزه‌لو، اشاره کرد. همین وضعیت را به وضوح می‌توان در مورد شهرهای کوچکی هم چون خوانسار ملاحظه کرد. در مورد تزیینات به کاررفته در بناهای تاریخی خوانسار تاکنون هیچ‌گونه پژوهش مستقل و هدف‌مندی صورت نگرفته است. عمده پژوهش‌های صورت گرفته نیز به صورت

می‌دارد که در حدود ۲۵۰۰ خانوار در این شهر ساکن و اهالی آن عموماً تجارت‌پیشه بوده‌اند (کینیر، ۱۹۷۳: ۱۲۸). علاوه بر ایشان «زین‌العابدین بن اسکندر شیروانی» نیز به وجود بیش از دوهزار خانه در خوانسار اشاره کرده‌است و بر تجارت‌پیشگی اکثر مردمان آن تأکید دارد (شیروانی، بی‌تا: ۲۷۴ و همان، ۱۳۳۹: ۶۶۹). ناصرالدین شاه قاجار نیز که در اواسط این دوره از خوانسار بازدید کرده، چنین بیان می‌دارد: «... آبادی آن از عمارات اربابی و رعیتی و بازار زیاده از اندازه و استعداد آن است» (آل‌داوود، ۱۳۷۸: ۴). هم‌چنین جکسن نیز ضمن اشاره به جمعیت دوازده‌هزار نفری و شاعران بسیار آن، به بازار پر رونق شهر نیز می‌پردازد که در آن انواع کالاهای کتانی و پنبه‌ای خرید و فروش می‌شد (جکسن، ۱۳۶۹: ۲۹۲). همین اشارات مختصر نشان می‌دهد که خوانسار در دوره موردنظر جمعیتی بالغ بر ۱۰ هزار نفر داشته که مردمان آن در خانه‌ها یا عمارات ارباب‌رعیتی ساکن بوده و تجارت در آن رونق بسیاری داشته‌است.^۳

شهر خوانسار، به دلیل قرار گرفتن در میان دره‌های باریک و عبور رودخانه‌ای از مرکز آن، از گذشته تاکنون ساختاری باغ‌شهرمانند داشته‌است. توزیع فضایی این باغ‌ها سبب فاصله محلّه‌ها و عناصر معماری از هم شده‌است؛ وضعیتی که در طول دوره قاجاریه نیز به همین منوال بوده و حتی در برخی سفرنامه‌های این دوره بدان اشاره شده‌است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۲۲۳؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۹۲ و ابوترابیان، ۱۳۵۷: ۳۴). علاوه بر این موارد، با توجه به اسناد تاریخی و باستان‌شناسی موجود باید بیان شود که شهر خوانسار در این دوره متشکل از ۱۰ محلّه با اسامی شیرک یا محلّه علیا، سرچشمه، چشمه آخوند، جوزچه، مالگاه، پلگوش، لیروود، دوراه، چیتگاه و رئیسان بوده‌است که بسیاری از این اسامی هم‌چنان استفاده می‌شود. مسیر اصلی ارتباطی شهر در این دوره نیز شمالی - جنوبی و در طول بازارهای مختلف آن بوده که جانب جنوبی آن به راه اصفهان و شمالی آن به راه تهران منتهی می‌شده‌است.

عمده‌ترین بناهای تاریخی برجای‌مانده خوانسار در عصر قاجار را خانه‌های مسکونی تشکیل می‌دهند. در ارتباط با این ابنیه، «هینریش بروگش» خاورشناس آلمانی توصیف مفصّلی را بیان می‌دارد که بدین شرح است: «... پاره‌ای از خانه‌ها در

بسیار کلی در مورد تاریخ و جغرافیای شهر بوده که در حین ذکر برخی آثار تاریخی آن تا حدودی اشارات مختصری نیز به تزیینات ابنیه شده‌است. از آن جمله می‌توان به کتاب *جغرافیای خوانسار* میرمحمدی (۱۳۷۸)، دورنمای خوانسار زهرایی (۱۳۴۱) و گلستان خوانسار (۱۳۷۰) از فضل‌الله زهرایی اشاره کرد. علاوه بر این موارد در برخی مقالات که بعضاً به معرفی یک بنای تاریخی شهر پرداخته‌اند تا حدودی تزیینات آن بنا نیز مورد بررسی و معرفی قرار گرفته‌است که از آن جمله می‌توان به مقاله محمدحسین تسبیحی «در مورد عمارت میرمحمدصادق» (۱۳۴۹) اشاره کرد. به جز این موارد، تقریباً اطلاعات چندان دیگری در مورد تزیینات این ابنیه تاکنون منتشر نشده‌است. از این‌روی پژوهش حاضر را می‌توان نخستین گام در مورد بررسی این تزیینات، دانست.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و عمدتاً بر پایه مطالعات میدانی استوار است که بیشتر بخش‌های این پژوهش را شامل می‌شود؛ اما به جهت کسب اطلاعات بیشتر از روش تفسیری - تاریخی و پژوهش برخی اسناد تاریخی شهر و منابع کتابخانه‌ای نیز استفاده شده‌است. در پژوهش حاضر تعداد ۱۵ بنای مسکونی از دوره قاجاریه خوانسار مورد مطالعه قرار گرفته و تزیینات آن بررسی شده‌اند. در نهایت تزیینات این ابنیه در قالب چند گروه مختلف توصیف و بررسی شدند.

سیمای کلی شهر خوانسار در دوره قاجار

خوانسار یکی از شهرهای شناخته‌شده جانب شمال‌غربی استان اصفهان محسوب می‌شود که پیشینه استقرار در آن به قبل از اسلام بر می‌گردد. خوانسار تا قبل از دوره صفویه همواره در منابع تاریخی به‌عنوان یکی از روستاهای تابعه گلپایگان معرفی شد؛ اما به نظر می‌رسد که از دوره صفویه به بعد رشد چشم‌گیری کرده‌است و در دوره قاجاریه به اوج خود می‌رسد. بسیاری از سفرنامه‌نویسان این دوره، ضمن اشاره اجمالی به ساختار اجتماعی شهر، جمعیت و مشاغل تجاری آن را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه «جان مک‌دونالد کینیر» که در اوایل دوره قاجاریه از خوانسار عبور کرده بیان

دسته‌های ذیل می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

کاشی‌کاری

این شیوه تزئینی تنها در قسمت درگاه ورودی خانه حبیبی مورد شناسایی قرار گرفت. کاشی‌های به‌کاررفته در این قسمت بنا از نوع هفت‌رنگ با پس‌زمینه زرد و لاجوردی بوده و طرح‌های اسلیمی و کتیبه‌دار در آن به‌کاررفته‌است. کتیبه‌های استفاده‌شده شامل بخشی از آیات قرآن مثل آیه یک سوره فتح، اسامی چهارده معصوم، نام بانی بنا آقای «حاج حبیب‌الله تاجر خوانساری»، نام سازنده بنا «استاد محمد معمار» و تاریخ ساخت آن یعنی «سنه ۱۳۲۸ هـ.ق» می‌باشد (تصویر ۱).



تصویر ۱: تزئینات کاشی‌کاری به‌کاررفته در درگاه ورودی خانه حبیبی (مأخذ: نگارندگان).

آجرکاری

این تزئینات به شیوه‌های مختلف در نمای بناهای مورد مطالعه کاربرد داشته‌است. عمده‌ترین نمونه‌های شناسایی شده عبارتند از: تزئین با آجر لعاب‌دار تک‌رنگ سبز تیره یا لاجوردی و یا رنگ شده قرمز؛ تزئینات آجرکاری به شیوه‌های مختلف خفته‌راسته، هرچه‌چین و ... و تزئین با آجر قالبی یا پیش‌بر. تزئین با آجر لعاب‌دار یا رنگ شده صرفاً در قسمت درگاه ورودی برخی بناهای مسکونی و نیز دیوارهای اندرونی یک بنا مورد شناسایی قرار گرفته‌است. از جمله بناهای شناسایی شده با این شیوه تزئینی می‌توان به قسمت درگاه ورودی خانه‌های زهرایی و حبیبی و قسمت اندرونی عمارت میر محمدصادق‌قاسم‌قاسم کرد. تزئین با آجر قالبی یا پیش‌بر با آجرهایی در اشکال مختلف مثل لوزی، مربعی کوچک، دوزنقه و چلیپایی و در قالب طرح‌هایی هم‌چون گره‌سازی، تقریباً در بیشتر بناهای

وسط درّه و پاره‌ای در دامنه کوه و ارتفاعات قرار داشتند... پی این خانه‌ها را تخته سنگ‌های بزرگ و نتراشیده تشکیل می‌داد که با گل و آهک به‌صورت توده‌ای سخت به یکدیگر درآمیخته بودند و روی این پی خانه را با آجر ساخته بودند که از یک تا سه طبقه داشت؛ و اتاق‌ها از پنجره‌های مشبک به‌طرف رودخانه و جاده، نور می‌گرفتند. در ورودی خانه‌ها نسبتاً بزرگ و راهرو و دالان آن‌ها مانند خانه‌های روستایی اروپایی، سنگ‌فرش هستند» (بروگش، ۱۳۶۷: ۳۴۹).

با توجه به شواهد معماری موجود به نظر می‌رسد در این دوره، هم‌زمان با رشد طبقه ممتاز بازاری و قدرت‌گرفتن روحانیون و خوانین شهر، ساختن خانه‌های شاخص متعلق به متمولین رونق گرفته باشد. اما در این دوره و در کنار خانه‌های شاخص و بزرگ، خانه‌های در ابعاد و اندازه‌های کوچک‌تر نیز هم‌چنان توسط قشر ضعیف‌تر جامعه ساخته شد که بعضاً از تزئینات و نقش و نگارهای زیبایی برخوردار بودند. بر همین اساس می‌توان خانه‌های این دوره شهر را به سه گروه کلی تقسیم‌بندی کرد که شامل این موارد است: الف) بناهای خشت و چینه‌ای با وسعت اندک و بدون تزئینات یک یا چند خانواری؛ ب) بناهای خشت و چینه‌ای تک‌خانواری با وسعت بیشتر و تزئینات اندک در برخی اتاق‌ها، مانند خانه شاه حیدری و اشرفی؛ ج) بناهای بزرگ آجری اعیانی با تزئینات فراوان و متنوع مانند خانه حبیبی و ملکی.

تزئینات بناهای مسکونی خوانسار در عصر قاجار

بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در بخش قدیمی شهر خوانسار و مطالعه بناهای تاریخی متعلق به عهد قاجاریه، انواع تزئینات به‌کاررفته در این ابنیه را مشخص کرد. این تزئینات صرفاً در بناهای گروه دوم و سوم (اقشار متوسط و مرفه) به ثبت رسید و بناهای گروه اول فاقد هر گونه تزئین خاصی بودند. در این گروه تنها کاربرد محدود پنجره‌های مشبک چوبی را می‌توان ملاحظه کرد که در آن روزگار به‌عنوان عنصری کاربردی و بخشی از مواد و مصالح ساختمانی در تمامی ابنیه مسکونی و بعضاً غیرمسکونی استفاده می‌شد و به همین سبب تفاوت معناداری را ایجاد نمی‌سازد. با توجه به مطالعات صورت گرفته، تزئینات معماری بناهای عهد قاجار شهر خوانسار را در

است. از این روی می‌توان این تزیینات را تا حدودی با نمونه‌های گچ‌بری مقایسه کرد. نقوش به‌کاررفته در طرح‌های بیرون‌زده یا برهشته را عمدتاً طرح‌های گلدانی‌شکل و یا طرح‌های پایه‌ستون تشکیل می‌دهد؛ اما نقوش به‌کاررفته در طرح‌های برجسته را اشکال بسیار مختلف و متنوعی مثل نقوش شیر و خورشید در مقابل درخت زندگی و تاج، طاووس، نقوش انسانی با لباس‌های قاجاری در حالت‌های نشسته یا ایستاده، خورشید و قاب‌های ترنجی شکل هندسی تشکیل می‌دهد (تصویر ۳). در این قسمت لازم است که به مجسمه‌های سنگی نیز اشاره شود که بعضاً در تزیین حوض‌های برخی خانه‌های تاریخی استفاده شده است. از جمله شاخص‌ترین این مجسمه‌های سنگی می‌توان به چهار سر شیر پشت‌به‌هم اشاره کرد که در وسط حوض خانه حبیبی‌ها به‌عنوان آب‌نما، استفاده شده است. در ارتباط با هنرمندان حجّار این آثار در حال حاضر اطلاعاتی در دست نیست؛ زیرا در هیچ‌یک از این ابنیه امضای این هنرمندان مشاهده نشد؛ اما با توجه به آن‌که بسیاری از هنرمندان حجّار این دوره شهر هم‌چون میرزا احمد بن محمد علی، استاد میرزا رضا حجّار، کربلایی مصطفی (کتابچی)، استاد رضا حجّار اصفهانی و استاد رضا فرهادی به امر سنگ‌تراشی قبور مشغول بودند، این احتمال می‌رود که همین هنرمندان حجّاری برخی بناهای مسکونی شهر را نیز انجام داده باشند.



تصویر ۳: نمونه‌ای از حجاری‌های به‌کاررفته در ازاره ورودی خانه حبیبی‌ها (مأخذ: نگارندگان).

آینه‌کاری

این شیوه تزیینی را می‌توان در برخی خانه‌های تاریخی شهر مثل خانه مرتضی ملکی، خانه اشرفی و عمارت میر محمدصادق ملاحظه کرد. منابع مکتوب از کاربری انبوه این تزیینات در خانه تخریب شده صولت‌الملک^۵ نیز گزارش می‌دهند. از این شیوه تزیینی عموماً در مهم‌ترین بخش خانه مثل اتاق شاه‌نشین،

مسکونی گروه دوم و سوم مانند خانه ضیائی^۴، مورد شناسایی قرار گرفته است. ایجاد اشکال هندسی با چیدمان هندسی آجرها مانند خفته‌راسته، روش تزیینی دیگری است که در قسمت درگاه‌های و روی بناهای مسکونی مثل خانه ملکی یا حقیقت و نیز بعضاً روی دیوارهای فضاهای مسکونی دور حیاط مرکزی یا اندرونی بنا مثل خانه ضیائی یا حبیبی به‌کاررفته است. در این شیوه تزیینی صرفاً ایجاد اشکال هندسی مورد نظر است که از جمله آن‌ها می‌توان به انواع آجرکاری خفته‌راسته، آبشاری و هره‌چین شمس‌ها اشاره کرد (تصویر ۲).



تصویر ۲: نمونه‌هایی از تزیینات آجرکاری استفاده شده در خانه ضیائی و زهرائی (مأخذ: نگارندگان).

حجّاری‌های تزیینی

تزیین به‌وسیله سنگ‌های حجّاری شده از ویژگی‌های ممتاز کننده خانه‌های اعیانی عهد قاجار خوانسار از سایر ابنیه است. این شیوه تزیینی عمدتاً در ازاره درگاه ورودی برخی خانه‌ها مثل خانه حبیبی‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. در این شیوه تزیینی ابتدا سنگ‌هایی را در قالب‌های مستطیل شکل با ضخامت حدود ۱۵ سانتی‌متر شکل حجّاری می‌دهند و سپس در بدنه خارجی سنگ که قرار است به‌عنوان نما استفاده شود، طرح‌هایی را پیاده می‌کنند. این طرح‌ها شامل دو گروه نقوش برجسته به ضخامت یک سانتی‌متر و نقوش بیرون‌زده یا برهشته با ضخامت حدود ۱۰ سانتی‌متر،

برجسته را می‌توان در برخی خانه‌های تاریخی دیگر شهر مثل خانه حکیم‌الهی، عمارت میر محمدصادق و خانه تخریب‌شده صولت‌المک ملاحظه کرد که عمدتاً شامل اشکال مختلف هندسی و گیاهی می‌باشد. درعین‌حال که نقوشی مثل قطاربندی و دندان‌موشی نیز در حاشیه برخی دیوارهای داخلی بناها به‌کاررفته‌است که در نهایت تشکیل یک قاب را می‌دهد. تزیینات گچ‌بری معمولاً سفید بوده و فاقد هر گونه رنگ‌آمیزی هستند. اما در عمارت میر محمدصادق و خانه حکیم‌الهی بخشی از تزیینات گچ‌بری را با رنگ‌هایی چون سبز، لاجوردی و قرمز اخرازی آرایش کرده‌اند که زیبایی دو چندان را به فضاهای داخلی بنا داده است. در همین ارتباط لازم به ذکر است که استادکار طرح‌های گچ‌بری خانه اشرفی نام خود را همراه با تزیینات دیگر در بخشی از خانه اشرفی ثبت کرده که شخصی به نام «استاد رحیم» است و احتمالاً از هنرمندان گچ‌کار خوانساری می‌باشد (تصویر ۵).



تصویر ۵: تزیین گچ‌بری عمارت میر محمدصادق سمت راست و خانه اشرفی سمت چپ (مأخذ: نگارندگان).

نقّاشی روی چوب

تزیین بناها با ایجاد نقش روی چوب یکی از دشوارترین و درعین‌حال پرکاربردترین تزیینات به‌کاررفته در بناهای مسکونی و غیرمسکونی دوره قاجاریه خوانسار بوده است. این شیوه تزیینی را نه‌تنها در خوانسار، بلکه در بسیاری مناطق دیگر کشور که چوب مناسب در آن‌ها به‌وفور یافت

سه‌دردی یا پنج‌دردی استفاده می‌شود؛ با این شرح که در بخش مهم آن اتاق مثل اطراف شومینه یا طاقچه اصلی که از تزیینات مختلفی مثل گچ‌بری برخوردار بوده‌است، در یک فضای نسبتاً کوچک، عمدتاً کمتر از نیم متر مربع، از تزیین آینه‌کاری استفاده می‌شود. نقوش به‌کاررفته در این شیوه تزیینی تماماً یا شامل اشکال مختلف هندسی مثل شمسه است و یا این که پرکننده یک فضای خالی مثل یک ترنج می‌باشد. متأسفانه تزیینات آینه‌کاری به‌کاررفته در ابنیه مطالعه‌شده از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نبوده و عمدتاً بخش‌هایی از آن‌ها از بدنه جدا شده و از بین رفته‌اند. مراقبت چندان از آن‌ها نمی‌شود (تصویر ۴).



تصویر ۴: نمونه‌ای از تزیینات آینه‌کاری به شکل شمسه، به‌کاررفته در خانه اشرفی (مأخذ: نگارندگان).

گچ‌بری

تزیین گچ‌بری به سه شیوه برجسته، برهشته و مشبک در برخی بناهای تاریخی شهر خوانسار مورد شناسایی قرار گرفت. در این میان تزیین گچ‌بری برهشته صرفاً در بالای سردر ورودی خانه حبیبی‌ها به‌کاررفته که شامل نقش دو شیر یال‌دار روبروی هم است که در وسط آن‌ها نقش یک ساعت و تاج پادشاهی قرار گرفته و در پشت آن‌ها نقش خورشید و نیم‌ترنج به‌کاررفته است. تزیین گچ‌بری مشبک نیز صرفاً در خانه اشرفی و در قسمت شومینه بنا مورد شناسایی قرار گرفته‌است که در آن بالای فضاهای طاقچه‌مانند را با ایجاد گچ‌تراش‌های نقش اندازه کرده‌اند. اما تزیین گچ‌بری

گل‌دار با گل‌هایی به رنگ‌های قرمز یا سفید، نقش بته‌جقه گیاهی با گل‌هایی در مرکز، لچک‌ترنج، نقوش گلدانی‌شکل، نقش پرند، پرتله یا نیم‌رخ‌های انسانی، سوارکار، نقوش انسانی در حالات مختلف، نقوش انسانی با موضوعات مختلف مثل مجلس بزم یا قلیان کشیدن یا بهرام و آزاده، تصاویر بناهای تاریخی، ماده‌تاریخ، اشعار فارسی یا عربی مذهبی یا غیرمذهبی، جملات مذهبی مثل بخشی از آیات قرآن یا بسم‌الله، نام سازندگان بنا، خوشنویسان یا مالکان بنا و سپس امضای هنرمند و تاریخ ساخت بنا. از جمله هنرمندانی که امضای آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفت می‌توان به این افراد اشاره کرد: «علی و محمد حسن نقاش» در اتاق معروف به شاه‌نشین «خانه اشرفی» به تاریخ ۱۲۹۸ هـ.ق و نیز «استاد هادی نقاش» در تالار اصلی عمارت میرمحمدصادق به تاریخ ۱۲۴۵ هـ.ق (تصاویر ۶-۷).



تصویر ۶: تزیینات خوشنویسی و گل مرغ به کاررفته روی چوب در خانه اشرفی (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۷: تزیینات انسانی و گلدانی‌شکل به کاررفته روی چوب در خانه شاه‌حیدری (مأخذ: نگارندگان).

می‌شود مثل مازندران، عجب‌شیر و مراغه می‌توان ملاحظه کرد (دهقان، ۱۳۸۹). این امر که پیشینه نقاشی روی چوب در ایران به چه تاریخی بازمی‌گردد، دقیقاً مشخص نیست؛ اما حداقل از دوره هخامنشی به بعد شواهدی در این ارتباط به‌دست آمده است (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۸۴ و سامر، ۲۰۰۷: ۳۰). قدیمی‌ترین شواهد کاربرد این شیوه تزیینی در چوب‌های سقف عمارت میر محمدصادق قابل‌ملاحظه است که با توجه به تاریخ‌ها و ماده تاریخ‌های به‌کاررفته، قدمت آن‌ها به سال ۱۲۵۴ هـ.ق بازمی‌گردد. از جمله ماده‌تاریخ‌های به‌کاررفته در این بنا می‌توان به این شعر اشاره کرد:

«معمار قضا ریخت چو طرح گل و خشت

مقصود وی این بنای عالی نه بهشت

از بهر بنای این عمارت مذنب

باغ ارمی به سال تاریخ نوشت.»

در مصرع دوم بیت دوم این شعر عبارت ابجد باغ ارمی آمده که عدد یا تاریخ ۱۲۵۴ را نشان می‌دهد (تسبیحی، ۱۳۴۹: ۹۴۰). این شیوه تزیینی در بسیاری عمارت‌های تاریخی شهر خوانسار مثل عمارت میرمحمدصادق، خانه ابهری، خانه اشرفی، خانه شاه‌حیدری، خانه ملکی و ... به‌کار رفته است. در این شیوه، تزیینات صرفاً روی چوب‌های به‌کاررفته در سقف بناهای مسکونی (تیرهای چوبی اصلی و حمال و تخته‌های چوبی) به‌کاررفته و نقوش آن با توجه به نوع شخصیت اجتماعی مالکان آن‌ها تا حدودی متفاوت است. در خانه‌هایی که مالک آن‌ها روحانی و افراد مذهبی بوده (مانند خانه اشرفی و عمارت میرمحمدصادق)، صرفاً نقوش هندسی، گیاهی، گل و مرغ و خوشنویسی مذهبی روی چوب به‌کاررفته است. اما در خانه‌هایی با مالکان غیرروحانی (خانه شاه‌حیدری، مرتضی ملکی و صولت‌المک)، نقوش انسانی، حیوانی و بعضاً اشعار غیرمذهبی در کنار برخی جملات مذهبی مثل «بسم الله الرحمن الرحیم» ملاحظه می‌شود. از این‌روی و با توجه به نوع نقوش به‌کاررفته روی چوب در بناهای مسکونی این دوره شهر تا حدودی می‌توان تفاوت‌های اجتماعی مالکان آن‌ها را مشخص نمود.

نقوش به‌کاررفته روی چوب‌ها بر زمینه‌های قرمز اخراپی، زرد، سیاه و آبی اجرا شده‌اند و از تنوع نسبتاً زیادی برخوردار می‌باشند که شامل این موارد است: انواع مختلف نقوش

لاک‌کاری روی چوب

این شیوه تزئینی تنها در یکی از خانه‌های واقع در بیدهند (یکی از روستاهای تابعه شهر قدیم خوانسار که در حال حاضر یکی از محلات شهر می‌باشد) شناسایی شده است. در این نمونه، بر قاب‌های چوبی به‌کاررفته در سقف یکی از اتاق‌های خانه تاریخی توکلی، تزئیناتی توسط «محمدحسین بن محمدباقر خوانساری» و در سال ۱۳۲۴ هـ.ق ایجاد شده است. نقوش به‌کاررفته در این قاب‌ها شامل نقوش گلدانی شاه‌عباسی، شکارگاه، سوارکار، مجلس وعظ، نقش تعدادی خانه یا کاخ، شیر و خورشید، کلمات و شعائر مذهبی، نیم‌رخ حاکم یا پادشاه وقت قاجاری و ... می‌باشد. برخی از این نقاشی‌ها از داستان معروف خسرو و شیرین نظامی مثل صحنه آبتنی کردن شیرین الگوبرداری شده که در برخی مینیاتورهای دوره تیموری و صفوی نیز فراوان به‌کاررفته است. از آن جمله می‌توان به مینیاتوری از کتاب خسرو و شیرین نظامی اشاره کرد که در دوره صفوی و در شهر شیراز کشیده شده و اکنون در موزه رویال اونتاریو کانادا نگهداری می‌شود (تصویر ۸). نکته حائز اهمیت در ارتباط با نقوش این بنا آن است که علاوه بر نقش‌های حاکمیتی، هم‌چون شیر و خورشید و نیم‌رخ حاکم یا پادشاه، بر نقش روحانیت و مجالس وعظ و خطابه نیز تأکید شده و حتی تصاویر روحانیون در جایگاهی بالاتر و با ابعادی بزرگ‌تر، نسبت به عامه مردم کشیده شده است. نظر به این که این نقاشی‌ها توسط یک هنرمند خوانساری ایجاد شده، این احتمال داده می‌شود که در گذشته و در بناهای تاریخی داخل شهر نیز از این شیوه تزئینی استفاده می‌شده است؛ اما متأسفانه به دلیل روند تخریب بسیاری از بناهای تاریخی شهر در حال حاضر نمونه‌هایی از این شیوه تزئینی در داخل بافت شهر قدیم خوانسار موجود نیست (تصویر ۹).



تصویر ۸: نگاره شیرین در حال آبتنی از مجموعه خسرو و شیرین نظامی؛ (بالا) نقاشی لاک‌ی خانه توکلی (مأخذ: نگارندگان) و (پایین) شیراز، ۹۲۹ هـ.ق، موزه رویال اونتاریو کانادا.



تصویر ۹: نمونه‌های دیگری از نقاشی‌های لاک‌ی به‌کاررفته در خانه توکلی (مأخذ: نگارندگان).



نقاشی دیواری روی گچ

این شیوه تزئینی تنها در برخی بناهای تاریخی شهر خوانسار مثل خانه ابهری ملاحظه شده که در آن از رنگ‌های لاجوردی و قرمز آجری برای تزئین و رنگ‌آمیزی بخشی از فضاهای داخلی خانه و نیز بخشی از فضاهای حیاط استفاده شده است (تصویر ۱۰). این شیوه تزئینی حتی در فضای داخلی برخی بناهای آرامگاهی شهر نیز به کار رفته است که از آن جمله می‌توان به یکی از آرامگاه‌های قبرستان شرقی خوانسار اشاره کرد که متعلق به خاندان شهیدی می‌باشد.



تصویر ۱۰: تزئین نقاشی دیواری خانه ابهری (مأخذ: نگارندگان)

(زمرشیدی، ۱۳۵۶: ۲۶۱). کاربرد ارسی به‌ویژه نوع سهدری و تا حدودی پنج‌دری آن را می‌توان در بسیاری از ابنیه تاریخی این دوره شهر ملاحظه کرد. وجود ارسی‌ها با شیشه‌های رنگی به همراه سقف‌های چوبی منقوش و قالی‌های دست‌باف سنتی منطقه معروف به ویستی، یک ترکیب رنگ زیبا را در داخل اتاق‌ها پدید می‌آورد. از جمله بناهایی که در آن‌ها از ارسی استفاده شده می‌توان به خانه حبیبی، اشرفی، صولت‌الملک، عمارت میر محمدصادق و ... اشاره کرد. در شرایط حاضر بسیاری از ارسی‌های ارزشمند شهر یا تخریب شده و از بین رفته‌اند و یا این‌که در حال تخریب و نابودی هستند (تصویر ۱۱).

علاوه بر ارسی‌ها، باید به پنجره‌های مشبک چوبی معمولی مربع یا مستطیل شکل ثابت یک‌لته یا بازشو دولته نیز اشاره کرد که در طرح‌ها و اشکال مختلف در تمامی خانه‌های تاریخی خوانسار وجود داشتند. این پنجره‌ها گرچه به‌عنوان عنصری خاص برای فضاهای بازشو کاربرد داشتند؛ اما ترکیب هنرمندانه‌ای از جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و معمارانه را نیز ارائه می‌نمایند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱: نمای خارجی و داخلی ارسی سهدری خانه اشرفی (مأخذ: نگارندگان).

تزئینات چوبی

آن‌چنان‌که در مقدمه اشاره مختصری شد، چوب از گذشته تاکنون یکی از فراوان‌ترین عناصر تزئینی و معماری در دسترس اهالی خوانسار می‌باشد؛ در عین حال که در گذشته و تا حدودی حال حاضر، صنعت منبت‌کاری در آن رواج زیادی داشته است بخشی از این صنعت در ایجاد تزئینات چوبی بناهای تاریخی شهر و به‌ویژه ارسی و پنجره‌های مشبک چوبی نمایان است. ارسی در اصل به پنجره‌هایی اطلاق می‌شود که به روش خاص کشویی و به سمت بالا باز می‌شود و به محفظه‌ای که در قسمت بالا قرار دارد، هدایت می‌گردد؛ آن‌گاه با یک میخ یا پیچ که در زیر آن قرار می‌گیرد، می‌ایستد (امرایی، ۱۳۸۳: ۴۰). بدنه ارسی با چوب به‌شیوه منبت‌کاری و گره‌چینی و نقش‌های متنوع هندسی و گیاهی ساخته می‌شود و سپس درون شبکه‌های چوبی شیشه‌ای رنگی کار گذاشته می‌شود

فراوانی آماری که عمدتاً در حال تخریب شدن هستند؛ بناهای متوسط تک‌خانواری با تزییناتی در برخی فضاها که برخی این ابنیه نیز متأسفانه یا تخریب شده‌اند یا شاید به‌زودی تخریب شوند؛ و بناهای بزرگ اعیانی با تزیینات فراوان که بعضاً در سالیان گذشته تخریب شده‌اند؛ اما در حال حاضر برخی از آنها مرمت یا بازسازی شده‌اند. نظر به این که هدف اصلی این پژوهش مطالعه تزیینات به‌کاررفته در این ابنیه بود، بناهای گروه دوم و سوم با تعداد ۱۵ بنا، برای مطالعه انتخاب شدند (جدول ۱). در این ابنیه ۹ شیوه مختلف تزیینی مورد شناسایی قرار گرفت که در این میان تزیینات آجرکاری، نقاشی و خوشنویسی روی چوب و نیز تزیینات چوبی، از بیشترین فراوانی آماری در میان سایر تزیینات برخوردار بودند. درعین حال که تزیین کاشی‌کاری تنها در یک بنا استفاده شده که نشان از عدم توجه به این هنر در تزیین بناهای مسکونی این دوره شهر، دارد. نکته دیگری که باید بدان اشاره شود آن است که با توجه به وجود امضای برخی هنرمندان روی این آثار چنین به نظر می‌رسد که در این دوره احتمالاً بسیاری از تزیینات این ابنیه به‌ویژه تزیینات مرتبط با چوب هم‌چون نقاشی و خوشنویسی، توسط هنرمندان خوانساری انجام گرفته باشد؛ اما در مورد تزیینات حجاری احتمال می‌رود که در کنار هنرمندان خوانساری، برخی از هنرمندان اصفهانی نیز در این امر دخالت داشته باشند.



تصویر ۱۲: پنجره‌های بازشوی مشبک دولته‌ای خانه اشرفی (مأخذ: نگارندگان).

نتیجه‌گیری

خوانسار یکی از شهرهای شناخته‌شده بخش مرکزی ایران در طول دوره قاجاریه، بوده است. خوانسار به‌واسطه برخورداری از درختان بسیار، همواره در منابع تاریخی این دوره به‌عنوان یک باغ‌شهر شناخته شده که پیرامون این باغات، محلات شهر و بناهای مختلف شکل گرفته بودند. متأسفانه در چند دهه اخیر و به بهانه‌های گوناگونی هم‌چون توسعه شهر و یا تخریب بافت‌های فرسوده، بسیاری از ابنیه تاریخی خوانسار، به‌ویژه ابنیه مسکونی و تجاری آن از بین رفته و خواهند رفت. در حال حاضر بیشترین بناهای تاریخی شهر را ابنیه مسکونی تشکیل می‌دهد. این ابنیه به فراخور موقعیت اقتصادی سازندگان آنها شامل این موارد شوند: بناهای ساده کوچک یک یا چندخانواری با بیشترین

جدول ۱: بناهای مسکونی دوره قاجاریه شهر خوانسار و تزیینات به‌کاررفته در آنها.

شماره	نام بنا	کاشی‌کاری	آجرکاری	حجاری	آینه‌کاری	گچ‌بری	نقاشی چوب	لاک کاری	نقاشی دیواری	تزیینات چوبی
۱	عمارت میر محمدصادق (خانه ابهری)	*	*	*	*	*	*			*
۲	خانه ابهری	*	*	*	*	*	*		*	*
۳	خانه حبیبی	*	*	*	*	*	*			*
۴	خانه حقیقت	*	*	*	*	*	*			*
۵	خانه صولت‌المک	*	*	*	*	*	*		*	*
۶	خانه جعفری	*	*	*	*	*	*		*	*
۷	خانه مرتضی‌ملکی	*	*	*	*	*	*		*	*
۸	خانه جواد ملکی	*	*	*	*	*	*		*	*
۹	خانه ضیایی	*	*	*	*	*	*		*	*
۱۰	خانه امام‌جمعه	*	*	*	*	*	*		*	*

						*		خانه زهرایی	۱۱
*			*	*	*			خانه اشرفی	۱۲
*			*					خانه شاه حیدری	۱۳
*			*			*		خانه رفعتی	۱۴
	*			*				خانه حکیم‌الهی	۱۵

پی‌نوشت‌ها

۱- این استان بخش‌هایی از غرب استان اصفهان، تمامی استان لرستان و خوزستان فعلی را شامل می‌شد.

۲- جمعیت شهر خوانسار، بدون احتساب روستاهای تابعه آن، در سرشماری سال ۱۳۳۵ خورشیدی ۱۰۶۶۹ نفر بوده است (زهرائی، ۱۳۴۱: ۴۴).

۳- این تعداد خانوار فقط مختص به خود شهر بوده و روستاهای تابعه آن را دربر نمی‌گرفته‌است؛ این در حالی است که با توجه به نامه‌ای که جمعی از اهالی خوانسار در سال ۱۳۲۷ ه.ق برای مجلس شورای ملی آن روزگار نوشته‌اند، جمعیت شهر و توابع آن حدود ۴۰ هزار نفر بیان شده‌است (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۷).

۴- این خانه در حال حاضر در خیابان جوانمرد قصاب، نزدیک سرچشمه، قرار گرفته است. مالک قدیم بنا مسعود احمدیان و مالک فعلی آن آقای ضیائی می‌باشد. خانه از نوع درون‌گرا با حیاط مرکزی و در دو طبقه ساخته شده و اتاق‌هایی با کاربری‌های مختلف در هر طبقه آن وجود دارد. ضلع شرقی و غربی پنج، ضلع جنوبی آن چهار و ضلع شمالی آن دو اتاق و دو حجره در دو طرف درگاه ورودی دارد.

۵- خاندان صولت‌الملک از خوانین محله بالای خوانسار بودند که تالارها و عمارت‌های خوبی از آنان به یادگار مانده‌است. علی‌خان بزرگ آن خاندان از رجال دوره قاجار و از طرف امیرکبیر مورد تقدیر واقع شده بود (زهرائی، ۱۳۴۱: ۸۵). صولت‌الملک نیز خود روزگاری حاکم خوانسار و فریدن بوده است. وی فرزند علی‌خان نصرالممالک و نواده حاج‌صانع شهریارالملک بانی مسجد جامع، است. از ایشان دو بنای خانه صولت‌الملک و خانه ملکی به یادگار مانده که اولی را برای اقامت خود و دومی را برای اقامت فرزندش مظفرقلی خان ساخته بود (تسبیحی، ۱۳۷۶: ۶۱).

۶- برای نقاشی روی چوب لازم است که ابتدا چوبی که خللی ندارد، به‌ویژه چنار، تبریزی و سپیدار، به حدّ کافی سمباده

خورده، صیقل یافته و آماده شود. سپس سطح چوب را آغشته به سپیده تخم‌مرغی کنند که خوب مخلوط، سفت و مجدداً بعد از چند ساعت شل شده است. با این کار بستر مناسبی برای پذیرش رنگ روی چوب مهیّا می‌شود. البته از سریشم رقیق هم می‌توان به‌جای سپیده تخم‌مرغ استفاده کرد (اینانلو و صدرالسادات، ۱۳۶۷: ۱۵).

۷- این صحنه‌ها و بسیاری از طرح‌های دیگر مثل نقش پرندگان، پهلوانان، نقوش گیاهی مختلف، نقش زیبارویان، ساختمان‌ها و بناهای معروف باستانی و... در گذشته در بناهایی چون خانه صولت‌الملک و ملکی به‌کاررفته بود که متأسفانه در حال حاضر کاملاً تخریب شده و از بین رفته‌اند (تسبیحی، ۱۳۷۶: ۵۸).

فهرست منابع

- آل‌داوود، سیدعلی. (۱۳۷۸). دو سفرنامه از جنوب ایران. چاپ دوم. تهران: نشر امیرکبیر.
- ابوترابیان، حسین. (۱۳۵۷). «خاطرات لیدی شیل (۱۷)»، مجله نگین، ش ۱۶۰، صص ۳۴ - ۳۸.
- اشرف‌الکتابی، منوچهر. (۱۳۵۹). «خوانسار، خوانسار یا خانسار؟»، تحقیقات کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ش ۱۲، صص ۵۱.
- امرایی، مهدی. (۱۳۸۳). ارسی پنجره‌های رو به نور. تهران: انتشارات سمت.
- اینانلو، جهان و صدرالسادات، مهران. (۱۳۶۷). گل و بوته در هنر اسلامی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بروگش، هینریش. (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران. (مهندس کردبچه، مترجم). ج ۲. تهران: انتشارات اطلاعات.
- بغدادی، صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق. (۱۴۱۲). مرصداطلاعه علی اسماء الامکنه و البقاع. تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی. ج ۱. بیروت: دارالجیل.

- تسییحی، محمدحسین. (۱۳۴۹). «خانه محمدصادق خان»، مجله وحید، س ۷، ش ۸۰، صص ۹۳۷ - ۹۴۶.
- تسییحی، محمدحسین. (۱۳۷۶). **خوانسار نامه**. لاهور. چاپخانه بابر سلطان. صص ۵۸ و ۶۱.
- جکسن، آبراهام و النتاین ویلیامز. (۱۳۶۹). **سفرنامه جکسن**. (منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، مترجم). چاپ سوم. تهران: نشر خوارزمی. ص ۲۹۲.
- حمزه‌لو، منوچهر. (۱۳۸۶). **تزیینات معماری خانه بروجردی‌های کاشان**. تهران. پازینه.
- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۹۹۵). **معجم البلدان**. ج ۲. چاپ الثاني. بیروت: دار صادر. ص ۳۴۰.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام. (۱۳۸۰). **تاریخ حبیب‌السیر**. به کوشش جلال‌الدین همایی. ج ۳. چاپ چهارم. تهران: نشر خیام، ص ۵۱۶.
- دهقان، ناهید. (۱۳۸۹). **نگاره‌های چوبی مساجد آذربایجان شرقی**. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- زمرشیدی، حسن. (۱۳۵۶). **گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ص ۲۶۱.
- زهرایی، فضل‌الله. (۱۳۴۱). **دورنمای خوانسار**. تهران: چاپ رنگین.
- زهرایی، فضل‌الله. (۱۳۷۰). **گلستان خوانسار**. تهران: نشر مؤلف.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۳). **مطلع السعدین و مجمع البحرین**. تصحیح عبدالحسین نوائی. ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ص ۹۷۱.
- شاه‌ارزانی، محمداکبر بن محمد. بی‌تا. **مفرح‌القلوب شرح قانون چه چغمینی**. بی‌جا. مطبعه الاسلامیه. ص ۱۴۰.
- شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر. (۱۳۳۹). **ریاض‌السیاحه**. تصحیح حامد ربانی. تهران: نشر سعدی. ص ۶۶۹.
- شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر. بی‌تا. **بستان‌السیاحه**. تهران: نشر سنائی. ص ۲۷۴.
- شیل، لیدی. (۱۳۶۸). **خاطرات لیدی شیل**. (حسین ابوترابیان، مترجم). چاپ دوم. تهران: نشر نو. ص ۱۹۲.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). **سفرنامه اوژن فلاندن در ایران**. (حسین نور صادقی، مترجم). چاپ سوم. تهران: انتشارات اشراقی. ص ۲۲۳.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن. (۱۳۶۱). **تاریخ قم**. تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی. تهران: نشر توس. ص ۷۰-۷۱.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۶). **تزیینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی**. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۳). **معماری ایران دوره اسلامی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت. ص ۱۸۴.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد. (۱۳۸۵). **ترجمه محاسن اصفهان**. به کوشش عباس اقبال آشتیانی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. ص ۳۲.
- میرمحمدی، حمیدرضا. (۱۳۷۸). **جغرافیای خوانسار**. ج ۲. قم: چاپ سلمان فارسی.
- نجفی‌زاده، حسین. (۲۰۱۷). **مطالعاتی درباره خوانسار: عمارت میرمحمدصادق**. سان فرانسیسکو (زبان فارسی).
- ودیعی، کاظم. (۱۳۴۸). «اداره و تقسیمات کشوری ایران»، **مجله بررسی‌های تاریخی**، ش ۲۰-۲۱، صص ۲۳۳ - ۲۵۴.
- یزدی، شرف‌الدین علی. (۱۳۸۷). **ظفرنامه**. تصحیح سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوائی. ج ۲. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ص ۱۱۹۷.
- یوسفی‌نیا، راضیه. (۱۳۸۸). **اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی (۱۲۸۵ - ۱۳۰۴ هـ.ش)**. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ص ۴۷.
- Kinneir, John Macdonald. (1973). **A Geographical Memoir of the Persian Empire**. New York: The Middle East collection, p128
- Summerer, L. (2007). "Picturing Persian Victory: The Painted Battle Scene on the Munich Wood", in *Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran*, eds. A. Ivantchik and V. Licheli, Leuden, p30

Decoration Used in Qajarid Houses Khansar*

Hossein Sedighian¹, Mousa Sabzi²

1- Department of Archaeology University of Lorestan, (Corresponding Author)

2- Department of Archaeology University of Lorestan

Abstract

Khansar is one of the mountainous cities of western province of Isfahan, which is formed on the path of a lush valley. The historical background of this city goes back to pre-islamic period. However, during the Qajar period, there has been a lot of growth and development. Currently, most historic remains of this period are residential buildings. According to the references of historical sources, these were Buildings of the lord-farmers. In many of these buildings, which probably belonged to the middle or wealthy class of the city, there are a lot of decorations that haven't been covered in any research so far. Therefore, the main purpose of this article is studying the features and types of decorations used in residential buildings in this city. For this purpose, the methods of this article are library and field studies and we tried to study all of these buildings. According to the research, it was found that due to the abundance of wood in the area, many of the decorations of these buildings are also depended on this element. In addition, most of these decorations are probably created by Khansari artists and sometimes by Isfahani artists.

Key words: Khansar, Qajarid period, Residential buildings, Decorating the Building.

1. Email: Hossein.Sedighian@gmail.com

2. Email: mousa_sabzi@yahoo.com

*(Date Received: 2018/01/27 - Date Accepted: 2018/02/26)